

# بررسی چالش‌های ساختاری در تحقیقات اجتماعی ایران

دکتر محسن علینی

عضو هیئت علمی وزارت جهاد کشاورزی

وضعیت تحقیقات اجتماعی در ایران همچون سایر کشورهای در حال توسعه وضعیتی مطلوب نیست. تحقیقات اجتماعی در جامعه ما هنوز با ساختارهای اداری - اجرایی کشور از یک سو و ساختارهای اقتصادی - اجتماعی جامعه از سوی دیگر ارتباطی متقابل، دوسویه و ارگانیک برقرار نکرده است؛ بنابراین، نتوانسته آن گونه که شایسته است به مسائل و مشکلات ساختاری جامعه پاسخ گوید و راه‌حل‌هایی راهبردی و کاربردی برای حل معضلات موجود در جامعه ارائه نماید. چنین وضعیتی معلول شرایط ساختاری جامعه و نیز تابع وضعیت کلان حاکم بر علم، تکنولوژی و تحقیق در ایران می‌باشد. از همین رو، تحقیقات اجتماعی با موانع و تنگناهای متعددی روبه‌روست که می‌توان اهم این موارد را به دو دسته کلی طبقه‌بندی نمود:

۱. موانع و تنگناهای داخلی تحقیقات اجتماعی
  ۲. موانع و تنگناهای بیرونی تحقیقات اجتماعی
- مقاله حاضر کوشیده است تا ضمن ارائه تصویری از وضعیت تحقیقات اجتماعی در کشور، مهم‌ترین تنگناهای ساختاری موجود بر سر راه تحقیقات اجتماعی را مورد بررسی و مذاکره قرار دهد.

واژگان کلیدی: تحقیقات، تحقیقات اجتماعی، چالش‌های تحقیقات اجتماعی، پژوهش اجتماعی در ایران

## مقدمه

اجتماعی و تحقیقات اجتماعی در ایران در ارتباط با ظهور دولت نوین و بر مبنای الگوهای سازمانی غرب شکل گرفته بود. ظهور دولت جدید، دو مشخصه اصلی به همراه داشت: اول مرکزیت شدن و دوم اداری شدن. رشد دولت نیرومند مرکزی نیازمند ایجاد نهادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نوین بود. این امور نه تنها به برقراری اجتماعی عقلانی و نوعی مهندسی اجتماعی

در ایران علی‌رغم قدمت و عمق و گستردگی تفکرات اجتماعی ما قبل جامعه‌شناسی، تاریخ، جامعه‌شناسی و تحقیقات اجتماعی به معنی امروزی آن محدود به چند دهه اخیر و دوره تماس جامعه ایران با جوامع صحنی توسعه یافته بوده است. در این دوران، گسستگی و گسی بین تاریخ تفکرات اجتماعی و رشته علمی جامعه‌شناسی به وجود آمده بود [۱]. بر این اساس، پیدایی علوم

موجود جامعه کند و به تعبیری در شرایط اجتماعی ما نهادینه شود. این امر ریشه در مسائل و تنگنایهای موجود بر سر راه تحقیق اجتماعی در جامعه ما دارد و این مقاله کوشیده است تا ضمن بررسی این موارد آسیب‌های ناشی از این عوامل را نیز مورد مذاقه و توجه قرار دهد.

### تصویری از وضعیت تحقیقات در ایران

نگاهی به وضعیت برخی از شاخص‌های تحقیقات در نزد کشورهای توسعه‌یافته و نیز کشورهای در حال توسعه موفقی و تطبیق آن با وضعیت شاخص‌های مذکور در ایران، ما را به تأمل جدی وامی دارد. برآوردهای جهانی حاکی از آن است که سهم اعتبارات تحقیق به تولید ناخالص ملی در کشورهای پیشرفته بین ۳-۲/۵ درصد است در حالی که این نسبت در ایران طی دهه اخیر بین ۰/۲-۰/۴ درصد نوسان داشته است.

بر اساس آمارهای موجود در سالنامه یونسکو هزینه‌های تحقیقات به ازای هر محقق (شامل حقوق و دستمزد محقق و دستیاران، هزینه‌های پشتیبانی و سرمایه‌ای) طی سال‌های ۹۲-۱۹۸۸ در کره جنوبی ۸۶،۱۵۰ دلار، در ژاپن ۷۰،۹۶۰ دلار، در آلمان ۲۲۲،۰۰۰ دلار، در فرانسه ۲۳۵،۰۰۰ دلار، در ترکیه ۳۷،۲۸۰ دلار و در هندوستان ۱۵،۱۴۲ دلار بوده در حالی که این هزینه در ایران (سال ۱۳۷۵) حدود ۵،۳۰۰ دلار (۱۶ میلیون ریال) بوده است [۳].

بررسی هزینه‌های تحقیق و توسعه بر حسب منابع تأمین‌کننده هزینه‌ها حاکی از نقش مهم بخش خصوصی در کشورهای روبه‌رشد و کشورهای پیشرفته صنعتی است. سهم دولت در تأمین هزینه‌های تحقیق و توسعه در کشورهای نظیر ژاپن ۱۸/۲ درصد، آلمان ۳۴/۱ درصد، فرانسه ۴۸/۸ درصد، ترکیه ۷۰ درصد، کره ۱۷ درصد و هندوستان ۸۷/۴ درصد است. در حالی که نقش بخش خصوصی در تأمین هزینه‌های تحقیقاتی در ایران بسیار ناچیز است. هر چند که مشارکت بخش خصوصی در امر تحقیقات نیز مستلزم ایجاد انگیزه‌های لازم و تمهیدات قانونی است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵ مرکز آمار

### توسعه جامعه‌شناسی و

ضرورت بررسی مسائل اجتماعی

از دیدگاه علمی و نیز توجه و علاقه‌مندی

دولتمردان به مطالعات علمی زمینه‌ساز

تأسیس مراکز تحقیقات اجتماعی

در ایران گردید

احتیاج داشت، بلکه نیازمند جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات جمعیت‌شناسی نیز بود. از سوی دیگر، نظام اداری دولت جدید، نیازمند افرادی بود که از الگوهای سازمان اقتصادی، اجتماعی غربی اطلاعات کافی داشته باشند و این اطلاعات و آموزش‌ها می‌باید از طریق آموزش علوم اجتماعی در دانشگاه‌های کشور تأمین می‌شد [۲].

بدین ترتیب، توسعه جامعه‌شناسی و ضرورت بررسی مسائل اجتماعی از دیدگاه علمی و نیز توجه و علاقه‌مندی دولتمردان به مطالعات علمی زمینه‌ساز تأسیس مراکز تحقیقات اجتماعی در ایران گردید و طی سال‌های دهه ۱۳۴۰ فرایند علمی کردن سازمان‌های دولتی و خصوصی و نیز کوشش فراوان برای تعیین سیاست‌های اجتماعی بر اساس بررسی‌های عمومی و نیز عقلایی کردن تصمیم‌گیری‌ها در ادارات دولتی و خصوصی همه در ایجاد توجه و تقاضای بیشتر برای تحقیقات اجتماعی تأثیری عمیق بر جای گذاشتند. با وجود این حوزه تحقیقات اجتماعی به دلیل وارداتی بودن و عدم سنخیت با فرهنگ گذشته و طرز تلقی جامعه، نتوانست ریشه در ساختار اقتصادی و اجتماعی کشور بدواند و کمکی به حل مسائل و مشکلات اجتماعی و کاهش تنش‌های

ایران، تعداد افراد دارای تحصیلات دانشگاهی ۱/۵ میلیون نفر بوده که از بین آنها حدود ۴۴ هزار نفر (۲/۹ درصد) با احتساب دانشجویان کارشناسی ارشد و بالاتر به امر تحقیق اشتغال داشته‌اند. در حالی که این نسبت در ژاپن معادل ۸ درصد، در آلمان ۵/۷ درصد، در هندوستان ۵/۱ درصد می‌باشد. در مجموع بررسی مقایسه‌ای شاخص‌های مختلف تحقیقاتی کشور با کشورهای مذکور حاکی از آن است که ایران از حیث تعداد و نسبت دانشجو قابل مقایسه با کشورهای پیشرفته و به لحاظ تعداد محقق و منابع مالی اختصاص یافته به تحقیق، میزان چاپ کتاب و مقاله، بهره‌برداری از نتایج تحقیقات و... در زمره کشورهای فاقد پایگاه علم و فناوری است [۳].

بر اساس بیانیۀ نشست عزم ملی توسعه تحقیقات که در آذر ماه سال ۱۳۷۷ صادر شد، ایران گرچه در حوزه تحقیقات از امکانات، استعدادها و نقاط قوت متعدد و بالقوه‌ای برخوردار است، اما با تنگناها، کاستی‌ها و نقاط ضعف بسیاری نیز روبه‌روست. عدم ثبات در سیاست‌گذاری‌های کلان، فاصله قابل توجه میان سطوح مصوبات و اجرا، مشکلات قانونی و حقوقی، مشکلات

بررسی هزینه‌های تحقیق و توسعه

بر حسب منابع تأمین‌کننده هزینه‌ها

حاکی از نقش مهم بخش خصوصی

در کشورهای رو به رشد و

کشورهای پیشرفته صنعتی است

مربوط به ساختار اداری و تشکیلاتی کشور از جمله مسائل و تنگناهای عمومی کشور بوده که آثار و تبعات آن بر بخش تحقیقات نیز قابل توجه است [۳].

علاوه بر این، مهم‌ترین تنگناهای توسعه تحقیقات به شرح زیر است:

۱. عدم احساس نیاز و نازل بودن سطح تقاضای مؤثر برای تحقیقات در جامعه به دلیل وجود وابستگی و انحصارات در فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی، فقدان رقابت در تولید از بعد کیفیت و هزینه

۲. پائین بودن سهم تحقیقات در تولید ناخالص ملی و عدم استفاده مناسب از اعتبارات اختصاص یافته

۳. کمبود تعداد محققان کشور نسبت به کشورهای پیشرفته و حتی در حال توسعه

۴. گسستگی میان آموزش و تحقیقات و کندی تحول رشته‌های دانشگاهی نسبت به روند تحول فناوری و نیازهای تحقیقاتی

۵. سطح نازل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در فعالیت‌های تحقیقاتی کشور

۶. پایین بودن سطح بهره‌برداری از ظرفیت‌های انسانی، مالی و فیزیکی تحقیقاتی

۷. ضعف مفرط پایگاه‌های اطلاعاتی و نظام اطلاع‌رسانی

۸. حاکم بودن قوانین و مقررات دست و پاگیر اداری و مالی

۹. ضعف مدیریت علمی و حاکمیت مناسبات دیوان‌سالاری غیر کارآمد در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی

۱۰. عدم تمرکز و توجه به اولویت‌ها و نیازهای تحقیقاتی به ویژه مسائل فرهنگی

۱۱. ضعف جامع‌نگری، ابتلاء به روزمرگی و فقدان نگرش آینده‌نگر و اصالت بخشی به تحقیقات

۱۲. کارایی نازل تحقیقات و کم اثر بودن نتایج تحقیقات در روند فعالیت‌های جامعه و نیز عدم همبستگی تحقیقات با نیازهای جامعه

۱۳. تساهل و کم‌کارآمدی اداری و تشکیلاتی

خستگی پذیری در تحمل مشکلات برای رسیدن به تحقیقات

۱۴. نامطلوب بودن آینده تحقیقات در محیط‌های علمی به دلیل جایگاه نامناسب تحقیق در نظام دانشگاهی

۱۵. نامطلوب بودن ارتباطات بخش تحقیقات با دیگر بخش‌های اقتصادی و اجتماعی

۱۶. ضعف ارتباط با دنیای پویای علم و فناوری و عدم بهره‌برداری مناسب از تحقیقات جهانی

۱۷. فقدان نظام ارزیابی و نظارت بر روند توسعه تحقیقات در کشور [۴].

### وضعیت تحقیقات اجتماعی در ایران

همان‌طور که مشاهده شد وضعیت تحقیق و پژوهش در ایران نسبت به سایر کشورهای پیشرفته و حتی در حال توسعه چندان رضایت بخش نیست. از این بدتر شرایط و وضعیت تحقیقات اجتماعی در ایران است؛ چرا که در میان تحقیقات نیز بخش‌های فنی - مهندسی، پزشکی و سایر حوزه‌ها بخش عمده‌ای از اعتبارات، امکانات و تسهیلات را به خود اختصاص می‌دهند.

بر اساس آراء و دیدگاه‌های صاحب نظران، جامعه‌شناسی و تحقیقات اجتماعی در ایران هست و بزرگی اصلی و ساختاری دارد که عبارت‌اند از:

۱. پرداختن به خود علم تا توجه به مسائل اجتماعی
۲. غلبه ترجمه بر تألیف؛ یعنی علمی بیشتر ترجمه‌ای است تا تألیفی
۳. سلطه مباحث نظری بر جامعه‌شناسی در ایران تا وجود رویکردی کاربردی
۴. غلبه آموزش بر پژوهش
۵. حوزه جامعه‌شناسی ایران بیشتر به بحث و گفت‌وگوی درونی معطوف است تا به مسئله‌ای واقعی
۶. مشکل ساز نبودن آن
۷. ظهور کم فروغ
۸. شیخوخیت گرایی [۵].

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، وضعیت ترجمه، تألیف و انتشار کتاب‌های مرتبط با حوزه جامعه‌شناسی و

تحقیقات اجتماعی چندان مناسب نیست؛ از یک سو، اغلب کتاب‌های تألیفی یا ترجمه‌ای تخصصی نیستند و از سوی دیگر، اغلب کتاب‌های ترجمه شده با شرایط جامعه ایران چندان تطبیقی ندارند و در مجموع حتی از نظر کمیت نیز چندان قابل اعتنا نیستند. وضعیت نشریه‌های تخصصی نیز چندان مطلوب نیست؛ اولاً، تعداد مجلات علوم اجتماعی به اندازه کافی نیست؛ ثانیاً، توجه اغلب این نشریات معطوف به مسائل عمومی فرهنگی و اجتماعی و انسانی است؛ ثالثاً، نتایج تحقیقات اجتماعی معمولاً در نشریه‌های دانشگاهی و با تیراژ محدود منتشر می‌شود؛ رابعاً، انتقاد اجتماعی، مطالعات انتقادی و نقد اجتماعی کمتر در این نشریات به چاپ می‌رسد. از سوی دیگر، حضور اندیشمندان اجتماعی و محققان ایرانی در نشریات بین‌المللی مرتبط، بسیار ضعیف است. تعداد کنفرانس‌ها و سمپوزیوم‌های مرتبط با حوزه تحقیقات اجتماعی و جامعه‌شناسی نیز در ایران نسبت به سایر حوزه‌های علمی به شدت محدود است [۶].

عدم ثبات در سیاست‌گذاری‌های کلان  
فاصله قابل توجه میان سطوح مصوبات و اجرا  
مشکلات قانونی و حقوقی، مشکلات مربوط  
به ساختار اداری و تشکیلاتی کشور  
از جمله مسائل و تنگناهای عمومی کشور  
بوده که آثار و تبعات آن بر بخش تحقیقات  
نیز قابل توجه است

بدین ترتیب، جامعه‌شناسی و تحقیقات اجتماعی برای نهادینه شدن و پیوند با جامعه با موانع و مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو بوده است که می‌توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد:

#### ۱. موانع موجود در سطح کلان

نوع جامعه و نظام اجتماعی، توسعه نیافتگی صنعتی، فقر معیشتی، فشار سیاسی، عدم انسجام جمعی عام مبتنی بر تفاوت‌پذیری‌ها، ضعف جامعه مدنی و جو فرهنگی و حل نشدن مسائل فلسفی علم در ایران را می‌توان به عنوان نمونه‌هایی از شرایط ساختاری در سطح کلان نام برد که مانع نهادینه شدن علوم اجتماعی و به ویژه جامعه‌شناسی در ایران شده‌اند.

#### ۲. موانع موجود در سطح میانی

ضعف نهاد علم و سازمان علمی، ضعف مدیریت علمی و تمرکزگرایی در زمینه برنامه‌ریزی‌های علمی، گزینش دانشجو بر مبنای نمرات غیرعلمی رشته‌ها، گرایش‌های علوم اجتماعی، ضعف ارتباطات و مبادلات علمی بین مراکز علمی و تحقیقاتی داخلی و خارجی، استاد و دانشجو، دانشگاه و مردم و دانشگاه و مراکز اجرایی.

#### ۳. مسائل و مشکلات موجود در سطح خرد

علاوه بر گرفتاری‌های روزمره ناشی از سطح معیشتی صاحبان مشاغل علمی - تخصصی حوزه علوم اجتماعی که معمولاً برای مقابله با آنها به تدریس اضافی و گاهی هم تحقیق در زمینه‌های غیراساسی روی می‌آورند و به مقتضیات رشته تخصصی خود و با توجه به شرایط ساختاری در جامعه اصولاً با مسائل و محرک‌های منفی محیط سیاسی - اجتماعی سر و کار بیشتری دارند، بررسی‌ها نشان می‌دهد که میزان درآمد اعضای هیئت علمی حوزه علوم اجتماعی از فعالیت‌های علمی و تخصصی غیر از تدریس بسیار کمتر از درآمد صاحبان مشاغل علمی - تخصصی رشته‌های پزشکی، فنی و مهندسی است. رضایت شغلی نیز در میان این افراد بسیار کمتر از سایر اعضای هیئت علمی تخصصی رشته‌های دیگر است [۷].

### در ایران بر خلاف سایر جوامع

در زمینه تحقیق که پدیده و نیازی اجتماعی

است فرایند نهادی و ساختاری شدن

تحقیقات طی نشده است

بر این اساس است که فعالیت‌های فردی

و جمعی در هر سطحی بر بی‌نیازی به تحقیق

بی‌احتیاجی به راه‌آورد تحقیق و بی‌توجهی

به امر تحقیق استوار است

### بررسی موانع و تنگناهای ساختاری در تحقیقات اجتماعی ایران

همان‌طور که مشاهده شد، تحقیقات اجتماعی در ایران با موانع و تنگناهای متعددی روبه‌رو است، همچون سایر رشته‌های تخصصی علمی از کمبود اعتبار، امکانات و پشتیبانی‌های لازم و نیز مدیریت ناکارآمد رنج می‌برد، اما علاوه بر این تحقیقات اجتماعی با موانع و تنگناهای دیگری نیز روبه‌روست که در اینجا این موارد به طور فشرده مورد بررسی قرار می‌گیرد:

#### ۱. احتیاط سیاسی

مشکل بزرگی که تحقیق در زمینه علوم اجتماعی را در ایران متأثر ساخته احتیاط سیاسی است، که هم بر دولت و هم بر جامعه حکمفرماست. در اثر نبود سرمایه مستقل، اکثر محققان یا باید مستقیماً برای دولت تحقیق کنند یا اینکه سرمایه تحقیق را از طریق دولت فراهم سازند، که البته این حمایت‌های مالی بدون ایجاد محدودیت نیست. در ایران، اغلب ضوابط خاصی را برای روش‌شناسی، تجزیه و تحلیل‌ها و گزارش‌های محققان تحمیل می‌کنند

و تحقیقاتی را که به نتایج مطلوب و مورد نظر آنها منتهی نشود، مورد غفلت و فراموشی قرار می‌دهند. تأسف‌بارتر اینکه برخی از محققان به دلیل حفظ صداقت در اندیشه و درستی گزارش‌هایشان با موانع و محدودیت‌های اجتماعی بسیاری روبه‌رو می‌شوند. در بسیاری از سازمان‌های دولتی از تحقیق اجتماعی برای توجه فعالیت‌ها و عملکردهای سازمانی بهره‌برداری می‌شود. در نتیجه، چنین وضعیتی احتیاط و محافظه‌کاری به عنوان یک هنجار مسلط بر تحقیق و تدریس در مؤسسات آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی درآمده است. غلبه این احتیاط و محافظه‌کاری سیاسی میل به رویارویی شجاعانه با مسائل مختلف و تحقیق در مباحث اصولی و موضوعات جدلی را دشوار می‌سازد [۸] و محققان را به فعالیت‌های توجیه‌کننده سیستم یا تحقیق روی موضوعات پیش پا افتاده رهنمون می‌سازد.

## ۲. موانع اجتماعی، فرهنگی، روانی و تاریخی تحقیق در ایران

به نظر می‌رسد که گره اصلی موانع و مشکلات تحقیق در ایران، از این بعد که در واقع به صورت نهادی و ساختاری درآمده، نهفته است. در ایران بر خلاف سایر جوامع در زمینه تحقیق که پدیده و نیازی اجتماعی است، چنین فرایندی طی نشده است. بر این اساس است که فعالیت‌های فردی و جمعی در هر سطحی بر بی‌نیازی یا تحقیق، بی‌اعتنایی به راه‌آورد تحقیق و بی‌توجهی به امر

تحقیق استوار است. اکثر مسئولان سازمان‌ها و مدیران جامعه در طول دهه‌های اخیر با استفاده از استدلال‌ها و موقعیت‌های خویش به اعمال نظر شخصی و یا تجربه‌های شخصی پرداخته، فرضیه‌های ذهنی و تجربه‌های خود را داده‌های واقعی پنداشتند، آنها را چون امر مسلم دانسته و تلاش کرده‌اند آنها را در جامعه پیاده کنند، غافل از اینکه پدیده‌های اجتماعی پیچیده و چند بعدی هستند و نیازمند تحقیق اکتشافی و جامع و همه‌جانبه می‌باشند؛ البته این امر ریشه‌های عمیق اجتماعی و تاریخی دارد. در فرهنگ ما نبود بیان علمی و نیز بیان مستقیم و صراحت بیان در ادبیات شفاهی و مکتوب شهرت عام دارد. سانسور و خود سانسوری هم در فرهنگ و هم در درون خود ما ریشه تاریخی دارد؛ زیرا کتمان واقعیت و حقیقت یک ضرورت فرهنگی و حیاتی برای بقای موقعیت شغلی و اجتماعی نگاشته می‌شود. چنین زمینه نامطلوب و ناخوشایندی ما را در دستیابی و نیاز به تفکر علمی در جامعه و حتی در جامعه علمی محروم ساخته و در نتیجه ممکن استفاده از راه‌آورد‌های تحقیقات اجتماعی در حل مسائل و مشکلات اجتماعی سرنوشت‌ساز را به حداقل

رسانده است [۹].

## ۳. نبوه امنیت اجتماعی

فکر محقق باید از آرامش لازم برخوردار باشد و صحنه

در جامعه ما بستر اجتماعی لازم برای انجام

بررسی‌های عمیق و قابل تأمل کاملاً مهیا نشده است

و اغلب تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران کشور به کارکرد

و میزان کارایی و اثربخشی تحقیقات اجتماعی آشنا نیستند

و مهم‌تر از آن ضرورت افکار عمومی را

درک نمی‌کنند و یا برای آن اهمیتی قائل نیستند

استادان و محققان دانشگاهی به صورت انفرادی صورت می‌گیرد و به صورت یک جریان علمی در نیامده است. بدین ترتیب، محیط نهادینه شده‌ای که اندیشه و تحقیق اجتماعی در آن انجام می‌گیرد، توسعه نیافته است، زمانی هم که تحقیق در جایی صورت می‌گیرد، اساساً ماهیت سودطلبانه داشته و کمتر اتفاق می‌افتد که از تحلیل‌های توصیفی فراتر رود [۸].

#### ۵. شناخت و ارزش

ارزش و اهمیت تحقیق هنوز به طور مناسب و شایسته‌ای از سوی دولت و مردم شناخته نشده است. در واقع درک روشنی از جایگاه تحقیق اجتماعی در توسعه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی یا سیاسی وجود ندارد. در فرهنگی با ساختارهای ارزشی نیرومند و احترام فراوان برای تحریکات معنوی، تکیه بر روش‌های عینی و دنیایی از جمله کمی برخوردار است و ارج گذاری بر تحقیق اجتماعی بسیار ناچیز می‌باشد [۸].

در جامعه ما بستر اجتماعی لازم برای انجام بررسی‌های عمیق و قابل تأمل کاملاً مهیا نشده است و اغلب تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران کشور به کارکرد و میزان کارایی و اثربخشی تحقیقات اجتماعی درک نمی‌کنند و یا برای آن اهمیتی قائل نیستند.

#### ۶. فقدان اهداف ملی و یکپارچگی نهادی

در ایران شبکه‌ای منظم و هماهنگ از ارتباطات متقابل میان هیچ‌یک از مراکز تحقیقاتی کشور وجود ندارد؛ همچنین برای گسترش یک سیاست ملی در رابطه با اهداف و اولویت‌های تحقیق اجتماعی در مؤسسات آموزش عالی، تلاش‌های بسیار اندکی انجام گرفته است. انگیزه فعالیت‌های این سازمان‌ها معمولاً کسب منافع خاصی است که اغلب با منافع عده‌ای خاص گره خورده است. هماهنگی و همکاری تشویق نمی‌شود، سازمان‌های ملی در عرصه‌های گوناگون علوم اجتماعی مشکلات زیادی برای تبادل نظر و پیشبرد اهداف علمی ایجاد می‌کنند، اطلاعات موثق و قابل اعتماد وجود ندارد،

تعاریف متضاد از هنجارهای علمی و توقعات ایدئولوژیک مسلط بر جامعه علمی در ایران بر مشکلات افزوده است و مانع بسط و گسترش یک سنت پایدار علمی گردیده است

منازعات ناتوان و فرسوده‌کننده نباشد. آزادی، مقوله پربار و ارزشمندی برای حرکت در دنیای تاریک و پر ابهام تحقیق است. اساساً تحقق رسالت علم در گرو اصالت آن است و اصالت علم زمانی حاصل می‌شود که علم در جوئی آزاد کسب گردد و در چنین جوئی به کار گرفته شود. در غیر این صورت محققان معمولاً گرفتار نوعی سرخوردگی، بدبینی و بی‌علاقگی می‌شوند و ممکن است نه تنها نقش سودمندی از خود ارائه ندهند، بلکه موجب دل‌سردی نیروهای تحقیقی جدید نیز بشوند [۱۰].

در ایران امنیت اجتماعی و سیاسی لازم برای انجام بررسی‌های اجتماعی انتقادی که به نوعی سیاست‌های اجتماعی و برنامه‌های اجرایشده را مورد نقادی قرار دهد، وجود ندارد و بسیاری از محققان به دلیل همین عدم امنیت و نبود شرایط و زمینه‌های لازم، مهاجرت به کشورهای دیگر را انتخاب کرده‌اند و از ماندن در جامعه خویش سر باز زده‌اند.

#### ۲. توسعه نیافتگی نهادی

تحقیق اجتماعی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی ایران کاملاً نهادینه نشده است. بسیاری از مؤسسات آموزش عالی هرگز بودجه، ساختمان یا کارکنان مستغلی برای امر تحقیق نداشته‌اند. تحقیق امری فردی است که از سوی

کارهای جمعی در حوزه تحقیق اجتماعی به ندرت اتفاق می افتد و دیر به دیر می رسد [۱۱]. در مجموع سیاست‌ها و برنامه‌های روشنی که مبتنی بر هدف‌گیری‌های استراتژیک و ملی در حوزه تحقیقات اجتماعی باشد، دیده نمی‌شود و سازمان‌ها و نهادهای تحقیقاتی با هم ارتباطی ارگانیک و هماهنگ ندارند.

#### ۷. فقدان یک سنت نیرومند برای تحقیق علمی مستقل

در ایران اساساً روحیه علمی در حوزه تحقیق اجتماعی وجود ندارد. عوامل بی‌شماری سبب این امر شده است. برخی محققان این وضع را ناشی از ضعف نظام ارزش علمی می‌دانند و برخی دیگر آن را به عوامل فرهنگی نسبت می‌دهند. تعاریف متضاد از هنجارهای علمی و توقعات ایدئولوژیک مسلط بر جامعه علمی در ایران بر مشکلات فوق افزوده است و مانع بسط و گسترش یک سنت پایدار علمی گردیده است. از سوی دیگر، وابستگی حوزه علوم اجتماعی به فرهنگ علمی غرب امکان انجام پژوهش‌های مستقل علمی را سلب نموده و موانعی را برای نظریه‌پردازی مستقل ایجاد کرده است [۱۱].

#### ۸. عدم پیوند میان نظر و عمل

ما هرگز در فرهنگ خود پیوند و رابطه ارگانیکی میان نظر و عمل نداشته‌ایم. شیوه زندگی اندیشمندان و محققان ما با زندگی عامه مردم متفاوت بوده و در نهادهای آموزشی کشور نیز تأکید اساسی بیشتر روی محفوظات است و نه تجربه. همه خواهان ارائه نسخه و راهنمایی دیگران هستند و همه برای خود نقش راهبری و هدایت قائل می‌شوند. اغلب داوران ما حاصل تجربه‌های محدودمان است؛ حتی در میان قشر تحصیل کرده این ساده‌اندیشی وجود دارد. ما سنت تجربه‌گرایی نداریم و به تجربه به مفهوم آزمایش و تحقیق علمی اعتقادی نداریم، تفکر ما جادویی است؛ یعنی علت را در خارج از پدیده جست‌وجو می‌کنیم [۱۲]. بر این اساس، رابطه‌ای عمیق و دو سویه میان نظر و عمل در فرهنگ ما وجود ندارد و این خود مانعی اساسی برای تحقیق اجتماعی است.

#### ۹. عدم ارتباط میان آموزش و پژوهش

در جامعه ایران، آموزش مبتنی بر انجام تحقیق و پژوهش در حوزه‌های اجتماعی نیست، تدریس بیشتر مبتنی بر نظریه‌های انتزاعی و به دور از تجربه‌های اجتماعی برخاسته از شرایط اجتماعی است. اغلب استادان و اعضای هیئت علمی به قدری ساعات اضافه تدریس دارند که فرصتی برای انجام تحقیق نمی‌یابند، فقدان روحیه علمی و بی‌انگیزگی استادان نسبت به انجام تحقیقات اجتماعی نیز این امر را تشدید نموده است [۱۳]. بر این اساس، ساختار علمی و دانشگاهی ما مباحث و محتوایی را تدریس می‌کند و به دانشجویان آموزش‌هایی را ارائه می‌کند که ارتباطی با زمینه‌ها و شرایط اساسی ما ندارد و از سوی دیگر، این آموزش‌ها مبتنی بر یافته‌های پژوهشی نیست.

#### ۱۰. کمی ارتباط تحقیقات اجتماعی با تحولات ایران

در غرب، تحقیقات اجتماعی در جهت پاسخگویی به مسائل و مشکلات متعدد اجتماعی شکل گرفت و توسعه پیدا کرد؛ و در واقع بحران‌های اجتماعی زمینه‌ساز پیشرفت و رشد تحقیقات اجتماعی گردید؛ در حالی که در ایران مطالعات جامعه‌شناختی کمتر با تحولات اساسی جامعه در ارتباط بوده است و کمتر تلاش شده تا تحولات اجتماعی بررسی - اجتماعی ایران مورد نقادی و بررسی علمی قرار گیرد و اغلب تحقیقات اجتماعی به مسائل روزمره و کمتر اساسی توجه داشته است [۱۴]. بر این اساس، رویکرد تحقیقات اجتماعی متمایل به حل مسائل و معضلات ساختاری نیست و کمتر به تحولات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه نظر دارد.

موارد دیگر عبارت‌اند از:

۱۱. فقدان متولی و سیاست‌گذار مشخص در حوزه تحقیقات اجتماعی (فقدان نهادهای مستقل و مورد وثوق در حوزه تحقیقات اجتماعی).

۱۲. نبود یک نظام اطلاع‌رسانی منظم و گسترده در زمینه تحقیقات اجتماعی که اطلاعات مورد نیاز محققان را در اختیار آنان گذاشته و اطلاعات مربوط به پژوهش‌های اجتماعی را ذخیره و نگهداری کند.



۱۳. گسستگی میان جامعه‌شناسی و تحقیقات اجتماعی با توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور
۱۴. نارسایی‌های روشی و نظری در حوزه تحقیقات اجتماعی (بومی نکردن متدولوژی علمی)
۱۵. عدم توجه به مطالعات و بررسی‌های میان‌رشته‌ای با توجه به ضرورت این‌گونه مطالعات به دلیل روحیه فردگرایی و عدم تمایل به همکاری‌های گروهی [۱۵].
۱۶. عدم توجه به بخش خصوصی برای انجام پژوهش‌های اجتماعی و دولتی بودن تحقیقات اجتماعی [۱۶].
۱۷. توجه به کمیت‌گرایی و غفلت از کیفیت پژوهش‌های اجتماعی [۱۷].

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همان‌طور که مشاهده شد وضعیت تحقیقات علمی در ایران نسبت به سایر کشورهای توسعه‌یافته و برخی از کشورهای در حال توسعه چندان مطلوب نیست. در این میان اگر بخواهیم طبقه‌بندی مشخصی از وضعیت علوم مختلف ارائه کنیم، بهترین شرایط را حوزه تحقیقات فنی، مهندسی و پزشکی دارند و بدترین شرایط را حوزه تحقیقات انسانی و به ویژه اجتماعی به خود اختصاص می‌دهند.

در بررسی وضعیت تحقیقات اجتماعی در کشور مشخص گردید که این حوزه علاوه بر مسائل و تنگناهای عمومی تحقیقات که سایر حوزه‌های علمی نیز از آن رنج می‌برند نظیر بودجه، امکانات، مدیریت ناکارآمد و فقدان سیاست‌ها، قوانین و برنامه‌های پشتیبانی‌کننده و ... با برخی تنگناها و چالش‌های ساختاری و اختصاصی نیز روبه‌روست. این موانع ساختاری را در دو مقوله عوامل داخلی (مربوط به خود رشته جامعه‌شناسی و حوزه پژوهش اجتماعی) و عوامل خارجی (مربوط به زمینه‌ها و شرایط اجتماعی) مورد بررسی قرار دادیم. برای برون‌رفت از چنین وضعیتی علاوه بر اصلاح ساختارها و مناسبات داخلی در حوزه پژوهش اجتماعی باید موانع و ساختارهای اجتماعی بیرونی نیز مرتفع شوند و زمینه‌های لازم برای رشد و توسعه تحقیقات اجتماعی فراهم گردد.

### منابع

۱. عبداللهی محمد "جامعه‌شناسی در ایران، نگاهی به گذشته، حال و آینده"، رهیافت، شماره ۱۳، پائیز ۱۳۷۵، ص ۸۲
۲. مهدی علی اکبر و عبدالعلی لهسانی زاده، "جامعه‌شناسی در ایران"، ترجمه نوشین احمدی خراسانی، چاپ دوم، نشر توسعه، تهران ۱۳۷۵، صص ۲۰-۱۹.
۳. محمدی امیر آقا و محمد خرمی، "وضعیت پژوهش در ایران، واقعیت‌ها و راه‌چاره‌ها"، رهیافت شماره ۲۰ - بهار ۱۳۷۸، صص ۱۱۴-۱۱۳.
۴. همان مأخذ - صص ۱۱۶-۱۱۵.
۵. آزاد ارمکی، تقی، "جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی در ایران"، چاپ اول - مؤسسه نشر کلمه - تهران ۱۳۷۸ - صص ۷۲.
۶. مهدی، علی اکبر و عبدالعلی لهسانی زاده، "جامعه‌شناسی در ایران"، ترجمه نوشین احمدی خراسانی، چاپ دوم، نشر توسعه، تهران ۱۳۷۵، صص ۷۱-۶۳.
۷. رهیافت، شماره ۱۳ - صص ۸۲.
۸. مهدی، علی اکبر و عبدالعلی لهسانی زاده، "جامعه‌شناسی در ایران"، ترجمه نوشین احمدی خراسانی، چاپ دوم، نشر توسعه، تهران ۱۳۷۵، صص ۵۶-۵۵.
۹. سیف‌اللهی، سیف‌اله، "اقتصاد سیاسی ایران"، چاپ اول، انتشارات المیزان، تهران ۱۳۷۴، صص ۱۹۶-۱۹۴.
۱۰. فاطمی، حسن، "مشکل تحقیق در راه توسعه جهان سوم"، چاپ اول، شرکت سهامی انتشار، تهران ۱۳۷۴، صص ۱۸۴-۱۷۹.
۱۱. مهدی، علی اکبر و عبدالعلی لهسانی زاده، "جامعه‌شناسی در ایران"، ترجمه نوشین احمدی خراسانی، چاپ دوم، نشر توسعه، تهران ۱۳۷۵، صص ۶۲-۶۰.
۱۲. قهقی فرهمند، ناصر، "مدیریت R&D نوین و استراتژیک سازمان"، تدبیر، شماره ۶۲، سال ۱۳۷۵، صص ۳۲-۳۱.
۱۳. توسلی، غلامعباس، "جستارهایی در جامعه‌شناسی معاصر"، چاپ اول، انتشارات جامعه ایرانیان، تهران، ۱۳۸۰، صص ۳۶۴-۳۶۳.
۱۴. آزاد ارمکی، تقی، "جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی در ایران"، چاپ اول، مؤسسه نشر کلمه، تهران ۱۳۷۸، صص ۱۱۸.
۱۵. تقوی، محمد، "مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی و توسعه (جلد اول)"، چاپ اول، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران ۱۳۷۳، صص ۲۲۸.
۱۶. سیف‌اللهی، سیف‌اله، "نگرشی بر روند توسعه پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاست‌های پژوهشی چند ساله اخیر ایران"، مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره ۷، سال چهارم، ۱۳۷۷، صص ۱۷۴.
۱۷. سیف‌اللهی، سیف‌اله، "تنگناها و افق‌ها در آموزش عالی کشور"، مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره ۲، سال دوم، ۱۳۷۵، صص ۱۴۰.